



شیخ بهایی عشق و ایمان و عرفان صحیح را تمجید می‌کرد/فیلسوف فقیه

شیخ بهایی نه تنها فلسفه یونانی و اسلامی، بلکه تمامی علوم رسمی - از ریاضیات و طبیعیات گرفته تا فقه و صرف و نحو و علم اصول - را نیز بی فایده می‌داند ...

خبرگزاری مهر - شیخ بهایی نه تنها فلسفه یونانی و اسلامی، بلکه تمامی علوم رسمی - از ریاضیات و طبیعیات گرفته تا فقه و صرف و نحو و علم اصول - را نیز بی فایده می‌داند اما در مقابل، عشق و ایمان و عرفان صحیح را تمجید کرده و از مدرسین می‌خواهد که درس عشق بیاموزند. نام دقیق شیخ بهایی «محمد بن عزالدین حسین بن عبد الصمد بن شمس الدین محمد بن علی بن حسین بن محمد بن صالح حارثی همدانی عاملی جبعی» و کنیه او «ابوالفضائل» است. لقب اصلی او «البهائی» است که به «بهاء الدین» منسوب است. «العالمی» در نسبت با جبل عامل در لبنان و «الجبعی» در نسبت با روستای «جَبْع» به ضم جیم و فتح باء و عین مهمله و با مدّ گفته می‌شود «جَبَاع» که در جنوب شرقی شهر صیدا است واقع است و همواره مجمع دانشمندان و دانشجویان "جبل عامل" بوده است.

ناحیه "جبل عامل" همواره یکی از مراکز شیعه در مغرب آسیا بوده است و پیشوایان و دانشمندان شیعه که از این ناحیه برخاسته اند، بسیاریند. در هر زمان، حتی امروزه فرق شیعه در جبل عامل به وفور می‌زیسته اند و در بنیاد نهادن مذهب شیعه در ایران و استوار کردن بنیان آن مخصوصاً از قرن هفتم هجری به بعد یاری بسیار کرده و در این مدت پیشوایان بزرگی از میان ایشان برخاسته اند. خاندان بهائی نیز از همان خانواده های معروف شیعه در جبل عامل بوده است. نام «الحارثی الهمدانی» با توجه به «حارث بن عبدالله الاعور الهمدانی» - که از اصحاب و مخلصین امیرالمؤمنین علی(ع) بوده - به او نسبت داده شده است. شیخ بهایی در اشعار، نام بهایی را برای خود برگزید و از این رو به شیخ بهایی شهرت یافته است. مجموعه اشعار فارسی و عربی شیخ بهاء الدین را، "محمد رضا حرّ عاملی" فرزند شیخ حرّ عاملی گرد آوری کرده و دیوانی گرانها پدید آورده است.

شیخ بهائی همان طور که در «سلافة العصر» و غیره آمده است - در روز چهارشنبه، 27 ماه ذی الحجه سال «953 هجری قمری»، مصادف با سال «1547 میلادی»، در شهر «بعلبک» لبنان متولد شده است، هرچند در مورد زمان و مکان ولادت وی، اقوال دیگری نیز وجود دارد. در مورد تاریخ وفات شیخ بهایی نیز اقوال گوناگون وجود دارد. شیخ در روز 12 ماه شوال سال «1030 ه.ق» هجری در اصفهان از دنیا رفته است که این تاریخ بر مبنای قول شاگرد شیخ بهایی- سید حسین بن سید حیدر حسینی کرکی عاملی مجلسی - می باشد که اولین کسی بوده که در بستر مرگ شیخ حاضر شده و بر جسد شریف او نماز گزارده است.

طبق قول علامه مجلسی- یکی از شاگردان برجسته شیخ- عمر او حدوداً 81 یا 82 سال بوده است. جسد شریف او نیز بنا به وصیت، به مشهد امام علی بن موسی الرضا (ع) انتقال یافت و در نزدیکی حرم مطهر به خاک سپرده شد. پدر شیخ بهائی «عزالدین حسین بن عبدالصمد حارثی همدانی عاملی» دانشمندی ماهر و محقق دقیق و متبحر و ادیبی جامع و شاعری عظیم الشان و جلیل القدر و از شاگردان «شهید ثانی» بوده است که پس از شهادت شهید ثانی، در ایام جوانی، در اثر سختگیریها و کارشکنیهایی که در امور شیعه در جبل عامل پیش آمده بود به دنبال دعوت عالم بزرگ "شیخ علی منشار عاملی" انجام گرفت. هنگام ورود به قزوین، به خانه همین عالم بزرگ وارد شدند و بدین گونه خاطرات دوستی دیرین در سرزمینی تازه و حال و هوای آزادی، تجدید شد و روابط محکمتری بین این دو فقیه فرزانه پدید آمد. ایشان دارای آثاری از قبیل: کتاب «چهل حدیث»، رساله در رد اهل وسواس، حاشیه الارشاد، مناظره با بعضی فضلاء حلب درباره امامت و چند نوشته دیگر بوده است.

شیخ بهایی در یکی از مهمترین ادوار تاریخ ایران یعنی عصر صفویه می زیسته است. رابطه عالمان دین و دربارها و پادشاهان معمولاً خوب نبوده است؛ علمای شیعه در طول تاریخ با پادشاهان و قدرتمندان در حال مبارزه و درگیری پیدا و پنهان بوده اند. آنان تکیه به ظالم را سبب ورود به آتش جهنم می دانستند و هر گونه کمک به ستمگران را گناه می شمردند. حتی آوردن قلم و یا دوات را برای آنان، گناهی بزرگ به حساب می آوردند.

در دوران صفویه که اولین حکومت شیعه در منطقه ای وسیع تشکیل شد، دانشمندان زیادی با آنان همکاری کردند. راز این همکاری این بود که شاهان صفوی قدرت خویش را مرهون علما می دانستند و گاه از ایشان در اداره امور مملکت اجازه می گرفتند و قوانین کشور برگرفته از فقه شیعه بود. شیخ بهایی خود با پادشاهان صفوی مخصوصاً شاه عباس اول و شاه طهماسب ارتباط نزدیک داشت ولی پیوندي که او با دربار داشت، از موضع هدایت و رهبری بود. او از قدرت آنان در جهت اقتدار دین و حمایت از محرومین بهره می برد. شیخ بهایی هرگز به تملق و چاپلوسی شاهان نپرداخت. او دربارها را اسلامی می خواست نه

آثار وجودی و تجلیات ذات افراد گوناگون، نشانگر شخصیت آنها می‌باشد، حتی این آثار می‌توانند از زمان و مکان خاص نیز فراتر رفته و به زمانها و جوامع مختلف سرایت یابد تا جاییکه شاید تا ابد در تاریخ انسانی باقی بماند. هرچه آثار وجودی افراد شدیدتر باشد شخصیت آنها نیز والاتر و عالی‌تر است و این موضوع را می‌توان به عینه درباره شیخ بهایی ملاحظه کرد، به نحوی که تجلیات شخصیت جامع الاطراف و آثار علمی او در دانشهای گوناگون نظیر فقه و اصول، حدیث و تفسیر، عرفان، حساب، هندسه و معماری، نحو، نجوم و کلام کم نظیر است.

درسراسر تاریخ علوم و تمدن اسلامی، عده کثیری دانشمند به چشم می‌خورند که هر یک از آنها در یک علم و یا یک فن خاص و یا تنها در حیطه علوم دینی بارز بوده‌اند، شاید برخی نیز از علوم دینی منقطع شده و برخی دیگر از علوم دنیا تجرد گزیده‌اند تا جایی که هر یک از آنها تنها در محدوده یک فن و علم خاص چیره دست شده‌اند. اما شیخ بهایی عقاید تمام مکاتب و مذاهب را مطالعه نموده و با رجال آنها بحث و گفتگو داشته - گویی یکی از افراد آن قوم بوده است - و همین امر یکی از اسرار برتری و محبوبیت او در جوامع و اذهان می‌باشد. او با فقها، فقیه و با محدثین، محدث و با صوفیان، صوفی، با فلاسفه، فیلسوف و با اصحاب تعلیم، ریاضیدان و با دانشمندان نحو، نحوی بود.

شیخ بهایی در زمینه‌های مختلف اطلاعات و آگاهی دارد و همین آگاهی و وسعت معلومات، نوعی جاذبیت به آثار او بخشیده است که از میان انبوه آثار گذشتگان، کتابها و تالیفات او را به صورت کتاب روز و مورد علاقه درآورده است. فی المثل در کتاب «اربعین» که یک کتاب حدیثی و فقهی است، از مسائل ریاضی و هیات نیز استفاده کرده است، و مسائل آنها را به صورت روشن و ملموس در اختیار خواننده قرار داده است. او در موارد گوناگون با زبان نظم و نثر دست دعا و تمنا به پیشگاه خدای بی همتا برداشته و نیازهای شخصی و جمعی را از خدای سبحان طلب نموده است. اشعار شیخ بهاء الدین روح نیایشگر و خاشع او را در برابر پروردگار جهان نشان می‌دهد. شیخ بهایی معنای عمیق دعا را به خوبی احساس می‌کرد و هنگام دعا با تمام روح از خدا می‌خواست و نیازهای خود و امت اسلام را مطرح می‌کرد. او سعی فراوان داشت که مردم مسلمان با معنای ادعیه آشنا شوند، و برای آشنا ساختن مردم با معارف بلند دعاها، سه کتاب ارزشمند نوشته است: شرح دعای صباح، شرح دعای هلال و مفتاح الفلاح.

شیخ بهایی در کتاب اول، دعای معروف "صبح" را که از حضرت علی(ع) نقل شده توضیح داده است. این دعا که مطالب عرفانی فراوان دارد در کتاب معروف مفاتیح الجنان آمده است. کتاب دوم، در مورد دعای هلال (یکی از دعاها زیبا و پرمعنی صحیفه سجاده) است. شیخ در این کتاب، دعا را از امام زین العابدین(ع) نقل و تفسیر کرده است.

کتاب مفتاح الفلاح، یعنی "کلید رستگاری" درباره اعمال و آدابی که در شبانه روز مستحب می‌باشد نوشته شده است. رهنمودهای شیخ بهایی درباره خودسازی و عبادت در این کتاب آمده و متن عربی آن توسط یکی از شاگردانش به زبان فارسی ترجمه شده است. شیخ بدون تردید به سه زبان مهم و رایج عصر خویش، مسلط بوده و عربی و فارسی و ترکی را به خوبی می‌فهمیده و بدان گفتگو می‌کرده و در مورد عربی و فارسی آثار فراوان دارد. در زمینه زبان ترکی، سفرهای طولانی او به آذربایجان شوروی و ایران - در لباس درویشی در مناطق تحت نفوذ دولت عثمانی - این موضوع را ثابت می‌کند، به علاوه شعرهایی به زبان ترکی در "کشکول" آورده است که این مهارت وی را آشکار می‌سازد.

شیخ در نیمه اول قرن یازدهم هجری و در ربع اول قرن هفدهم میلادی زندگی می‌کرد، قرنی که برای مورخین دارای اهمیت و اعتبار ویژه ای است. قرن هفدهم میلادی، قرن پیشرفت و رنسانس علمی در اروپا نام گرفته است، از طرفی در این زمان زمامداران نامداری حاکمیت داشته‌اند، مانند «سلیمان قانونی» در عثمانی که قلمرو حکومت عثمانی را تا قلب اتریش گسترانده بود یا شاه عباس صفوی اول در ایران، یا سلطان مغول محمد شاه اکبر در هندوستان و در اروپا نیز ملکه الیزابت اول در انگلستان و لوئی چهاردهم در فرانسه حکومت داشتند.

همه این زمامداران، برخلاف اسلاف و اقران خود، عموماً معروف به علم دوستی و دانش طلبی بوده‌اند و در روزگار این حکومتها، دانشمندان و هنرمندان نامی در سراسر جهان پا به عرصه حیات نهادند، فی المثل در انگلستان «فرانسیس بیکن» صاحب مکتب تجربی (1561-1626 م 1035-968 ه.ق) که از میراث غنی فرهنگ اسلامی بهره‌ها برده است. «شکسپیر» شاعر نامدار (1564-1616 م 971-1021 ه.ق)، و در فرانسه «رنه دکارت» (1592-1655 م 1000-1065 ه.ق)، شاعر و نمایشنامه نویس، «کورلی» (1604-1686 م 1099-1013 ه.ق) و «مولر» (وفات 1622 م 1031) (همان سال وفات شیخ بهایی)، و در آلمان، فلکی دان معروف، «کپلر» و در ایتالیا «گالیله» (1564-1642 م 1052-971 ه.ق) رشد و نما یافته‌اند.

در مورد شیخ بهایی گفته اند او قبل از «نیوتن» دانشمند انگلیسی، به قوه جاذبه زمین توجه داشته و در مورد سقوط آزاد اجسام بر حسب جاذبه خورشید، ثوابت، سیارات و اقمار بحث و گفتگو نموده است. در عرف مردم ایران، شیخ بهائی به مهارت در ریاضی و معماری و مهندسی معروف بوده و هنوز هم به همین صفت معروف است، چنانکه معماری مسجد امام اصفهان و مهندسی حصار نجف را به او نسبت می دهند و نیز شاخصی برای تعیین اوقات شبانه روز از روی سایه آفتاب یا به اصطلاح فنی، ساعت آفتاب یا صفحه آفتابی و یا ساعت ظلی در مغرب مسجد امام (مسجد شاه سابق) در اصفهان هست که می گویند وی ساخته است.

در احاطه وی در مهندسی مساحی تردید نیست و بهترین نمونه که هنوز در میان است، نخست تقسیم آب زاینده رود به محلات اصفهان و قرای مجاور رودخانه است که معروف است هیئتی در آن زمان از جانب شاه عباس به ریاست شیخ بهائی مأمور شده و ترتیب بسیار دقیق و درستی با منتهای عدالت و دقت علمی در باب حق آب هر ده و آبادی و محله و بردن آب و ساختن مادیها داده اند که هنوز به همان ترتیب معمول است و اصل طومار آن در اصفهان هست.

دیگر از کارهای علمی که به بهائی نسبت می دهند طرح ریزی کاریز نجف آباد اصفهان است که به نام قنات زرین کمر، یکی از بزرگترین کاریزهای ایران است و از مظهر قنات تا انتهای آبخور آن 9 فرسنگ است و به 11 جوی بسیار بزرگ تقسیم می شود و طرح ریزی این کاریز را نیز از مرحوم بهائی می دانند. دیگر از کارهای شیخ بهائی، تعیین سمت قبله مسجد امام به مقیاس چهل درجه انحراف غربی از نقطه جنوب و خاتمه دادن به یک سلسله اختلاف نظر بود که مفتیان ابتدای عهد صفوی راجع به تشخیص قبله عراقین در مدت یک قرن و نیم اختلاف داشته اند.

همچنین از کارهای شگفتی که به بهائی نسبت می دهند، ساختمان گلخن گرمابه ای که هنوز در اصفهان مانده و به حمام شیخ بهائی یا حمام شیخ معروف است و آن حمام در میان مسجد جامع و هارونیه در بازار کهنه نزدیک بقعه معروف به درب امام واقع است و مردم اصفهان از دیر باز همواره عقیده داشته اند که گلخن آن گرمابه را بهائی چنان ساخته که با شمع گرم می شد و در زیر پاتیل گلخن فضای تهی تعبیه کرده و شمع افروخته در میان آن گذاشته و آن فضا را بسته بود و شمع تا مدت‌های مدید همچنان می سوخت و آب حمام بدان وسیله گرم می شد و خود گفته بود که اگر روزی آن فضا را بشکافند، شمع خاموش خواهد شد و گلخن از کار می افتد و چون پس از مدتی به تعمیر گرمابه پرداختند و آن محوطه را شکافتند، فوراً شمع خاموش شد و دیگر از آن پس نتوانستند بسازند. همچنین طراحی منار جنبان اصفهان که هم اکنون نیز پا برجاست به او نسبت داده می شود.

شیخ یکی از پربرکت ترین علمای جهان اسلام از نظر تالیف و تنوع در آن بوده است. برخی تعداد تألیفات او را با توجه به رساله ها و تحشیه ها و تعلیقه ها به عدد 200 جلد رسانده اند.

شیخ عاشق آزادی بوده و از تصنع و تکلف در زندگی بیزار بود. در زندگی فطرتی خداجو و ساده داشت و این در حالی بود که در زمان و مکان او متصنعی و متکلفین، بسیار زیاد بودند چنانچه بعضی از مورخین گفته اند که تصنع و تکلف برخی تا جایی بوده که آنها از دیده شدن در میادین شهر و اختلاط با عامه مردم دوری می جستند.

گستره دید و پهنه فرهنگ شیخ بهایی به وسعت ابعاد انسانی است زیرا او از تعصبی که تحجر و تنگ نظری و انکار عقاید دیگران را ترویج کند بیزار بود، بطوری که با طبقات گوناگون و گروه های مختلف معاشرت می نمود و با دیدن واقعیتها، دقائق نفوس بشری را می شناخت.

شیخ بهایی در روزگار شاه عباس معروف، نقش سیاسی مهمی در اداره امور کشور داشت. او مدت ها در هرات "شیخ الاسلام" بود و کلیه امور دینی مردم را رهبری می کرد. پس از مدتی از این سمت کناره گیری کرد و به مسافرت های حجاز و مصر و شامات و عراق و آذربایجان پرداخت و پس از سال 1006 قمری که شاه عباس کبیر، رسماً اصفهان را پایتخت قرار داد منصب شیخ الاسلامی اصفهان را به عهده گرفت.

وی در یکی از نوشته هایش می گوید: «من اگر از لبنان نیامده بودم و با حکومت و سیاست در نیامیخته بودم، از جمله زاهدترین مردم بودم» و آن گاه این شعر را ذکر می کند که:

من که به بوی شبدری در چمن هوس شدم برگ گلی نچیدم و زخمی خار و خس شدم
مرغ بهشت بودم و قهقهه بر فرشته زن در پی صید پشه ای هم تک خرمگس شدم

از سال های 1012 قمری تا 1019 مجدداً به مسافرت پرداخت و به شهرهای گوناگون حجاز، شام، آذربایجان و غیره رفت و در این مدت از مقام شیخ الاسلامی کناره گیری کرد. در سال 1019 قمری که به اصفهان بازگشت تا آخر عمر، از رجال مهم مذهبی و

شیخ بهایی معتقد است که بحث فیلسوفان درباره رطب و یابس و برهان تناهي ابعاد، سبب غرور و غفلت است و برهان ثبوت عقول دهگانه، افترض احسان و تفکر و اندیشه در مسأله هیولی و صورت، موجب اتلاف وقت و عمر بوده و هیچ یک از آنها مرضی را شفا نداده و مشکلی را حل نمی‌کنند.

يك درنگشود ز مفتاحش اشكال افزود ز ايضا حش

ز مقاصد آن مقصد ناياب ز مطلع آن طالع در خواب

راهي ننمود اشارا تش دل شاد نشد ز بشارتش

محصول نداد محصل آن اجمال افزود مفصل آن

تاكي ز شفاش شفا طلبي وز كاسه زهر دوا طلبي

تا چند چو نكابتیان ماني بر سفره چرکن يوناني

بنابراین شیخ نه تنها فلسفه یونانی و اسلامی، بلکه تمامی علوم رسمی – از ریاضیات و طبیعیات گرفته تا فقه و صرف و نحو و علم اصول – را نیز بی فایده می‌داند و معتقد است که آنها به جز خیالات و صور واهی، هیچ نیستند و تنها سبب غفلت انسان و دوری او از حق و حقیقت می‌باشند.

زان نگردد بر تو هرگز راز گر بود شاگرد تو صد فخر راز

او همچنین صرف عمر در صرف و نحو و بی‌توجهی به عشق و عرفان را این گونه سرزنش می‌کند:

صرف شد عمرت به بحث نحو و صرف از اصول عشق هم خوان يك دو حرف

و اما در مقابل، عشق و ایمان و عرفان صحیح را تمجید کرده و از مدرسین می‌خواهد که درس عشق بیاموزند و از دانش پژوهان می‌خواهد که – هر چند يك یا دو حرف – عشق بیاموزند. زیرا عشق است که انسان را از علائق جسمانی و قیود دنیوی آزاد می‌کند و قلوب و صدور را مانند نور کوه طور، منور ساخته و قلب را به لوح محفوظ تبدیل می‌کند.

شیخ معتقد است تنها آن درس و بحث و تحقیق که وصول به حقیقت و تمییز حق از باطل را واجب کند و به قصد قرب خدای تعالی باشد، مجور است، در غیر این صورت تحقیقی بی‌فایده و «بئس المرض» می‌باشد.

درس اگر قربت نباشد زان غرض لیس درسا انه بئس المرض

در این صورت در می‌یابیم که او آن دسته از متعاطیان علوم و فنون را که به خاطر دنیا و اسباب تفاخر و تکاثر درس می‌خوانند و به دنبال حق و حقیقت نیستند به شدت مورد انتقاد و تنبیه قرار می‌دهد.

شیخ بهائی شارحین و مفسرین فلسفه یونانی را نیز به باد انتقاد گرفته و آنها را جیره خوار دانشمندان یونانی می‌داند.

وین علم دني که ترا جان است فضلات فضایل یونان است

همچنین علیرغم اینکه شیخ، خود از دانشمندان بارز ریاضیات و علوم غریبه است می‌گوید :

تا چند زني ر رياضي لاف تا كي بافي هزار گراف

به علوم غریبه تفاخر چند زین گفت و شنود زبان در بند

و با اینکه فقیه و مجتهدی مسلم و شیخ الاسلام عصر بوده درباره فقه می‌گوید:

البته همه اینها بدین معنا نیست که شیخ، ضد علم و دشمن فلسفه و فن و ادب بوده است یا اینکه قائل به اهمیت آن علوم و فنون و معارف نیست و یا مقام عالی و مقدس فقهاء و حکماء را درک نمی‌کند، این امر چگونه ممکن است در حالی که او اعلم علماء و افضل حکماء در عصر خود بوده و در هر فن و معرفتی، قله و غایت شمرده می‌شده است؟ بلکه باید دانست که تمام انتقادات و تنبیها و سرزنش‌های او به این دلیل است که خود در زمره دانشمندان خبیر و عرفاء بصیری بوده که این نکته را درک کرده‌اند که اگر توجه بشر از حق و حقیقت و اعتبار وحی و انقیاد در برابر انبیاء و اولیاء، به سوی عبادت دنیا و علم برای علم معطوف شود و بیش از حد لزوم به پرنده عقل مجال پرواز دهد، بی‌تردید دچار تباهی و فساد خواهد شد. زیرا در این امر، آفات عظیم و مصائب بی‌شمار و بلاهایی کشنده وجود دارد، به همین دلیل او احساس کرده که نه تنها تنبیه اهل دانش و ارباب فضل و ادب بلکه تمام بشر، واجب و فرض است تا مبدا نیرنگ علم و عقل را بخورند، زیرا معتقد است عقل انسان، عاجز و ناقص می‌باشد.

شیخ بهائی بشریت را به سوی حقیقت و پیروی از کلام انبیاء و اولیاء دعوت می‌کند، زیرا آنها سفیران حق و آموزگاران بشر بوده و عقلشان از عقل ما پیشرفته‌تر و علمشان از علم ما، اعلی مرتبه‌تر است. آنچه شیخ می‌گوید این است که به زخارف دنیا وقع ننهیم و خود را تطهیر و تزکیه کنیم تا به علم و عرفان حقیقی - که همانا کمال مطلوب بشر و ریسمان نجات در هر دو عالم است - نائل شویم.

منابع:

- الإثنا عشرية، بهائی عاملی، تحقیق: شیخ محمد حسون، چاپ اول، جمادی الآخر 1409، قم انتشارات کتابخانه آیه الله عظمی مرعشی نجفی.
- احیاء علوم دین، ابوحامد غزالی، بدون تاریخ.
- اخبارالعلماء باخبار الحکماء، قطیفی، دارالآثار، بیروت، بدون تاریخ.
- الأربعون، شیخ بهائی، دارالبلاغ، بیروت - لبنان، 1995 م.
- الإرشاد، شیخ مفید، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لتحقيق التراث، چاپ دوم، 1414 1993 م دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع بیروت لبنان.
- أسرار البلاغة، بهاء الدین عاملی، تحقیق محمد تونجی، نمایندگی فرهنگی جمهوری اسلامی.
- الاعتقادات فی دین الإمامیة، شیخ صدوق، تحقیق عصام عبد السید، چاپ دوم، 1414-1993 م. دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع. بیروت لبنان
- الاعلام، خیر الدین الزرکلی، دارالعلم للملایین. بیروت. لبنان 1984 م.
- الإعلام، شیخ مفید، تحقیق شیخ محمد حسون، چاپ دوم، 1414-1999 م
- أعیان الشیعة، سید محسن أمین. چاپ جدید. تحقیق حسن أمین. دارالتعاریف للمطبوعات، بدون تاریخ.
- افلاطون، رساله اپینومیس و رساله تیمائوس.
- الاقتصاد، شیخ طوسی، 1400، چاپخانه خیام - قم. انتشارات کتابخانه جامع چهلستون تهران.
- الاقتصاد فی الاعتقاد، غزالی، بدون تاریخ.
- الإنهيات، شیخ جعفر سبحانی، چاپ اول، 1409 1989 م، الدار الإسلامیة للطباعة و النشر التوزیع - بیروت - لبنان.
- الآمالی، سید مرتضی، تصحیح و تعلیق: سید محمد بدر الدین نعسانی حلبی، چاپ اول 1325 1907، انتشارات کتابخانه آیه الله عظمی مرعشی نجفی.
- الآمالی، شیخ صدوق، قسم الدراسات الإسلامیة مؤسسه بعثت، چاپ اول 1414، الناشر دار الثقافه للطباع و النشر و التوزیع قم.
- الآمالی، شیخ مفید، تحقیق حسین استاد ولی، علی اکبر غفاری، چاپ دوم، 1414 1993، دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع - بیروت - لبنان.
- أمل الامل، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق احمد الحسینی بغداد. بدون تاریخ.
- الانتصار، شریف مرتضی، مؤسسه انتشارات اسلامی، شوال المکرم 1414.
- أوائل المقالات، شیخ مفید، چاپ دوم، 1993، 1414 دارالمفید للطباعه و النشر و التوزیع بیروت - لبنان.
- بحارالأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی، چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان 1403 هـ 1983 م.

نویسنده: دکتر پریش کوششی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی